

تحلیل روش‌های جایگزین حل و فصل اختلافات (ADR) در قراردادهای جدید بالادستی نفتی ایران IPC

عماد ملابراهیمی

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

بهشید ارفع نیا*

دانشیار گروه حقوق خصوصی دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۷/۲۸ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۸/۱۲/۲۱)

چکیده

روش‌های «ADR» برای چند دهه به عنوان روشی مناسب جهت حل و فصل اختلافات در قراردادهای بین‌المللی بالادستی صنعت نفت و گاز معرفی شده است. اکنون پرسش این است که آیا «ADR» در IPC ارجاع به همه ابزارهای آن است یا نوع خاصی از آن را مدنظر دارد و در حقیقت تبادر در «ADR» چیست؟ این مقاله برآن است تا با بررسی قراردادهای بین‌المللی بالادستی صنعت نفت و گاز، به این مهم پاسخ دهد. نتایج این مقاله، گواه آن است که ترکیب دو فرایند کارشناسی و داوری، می‌تواند روابط قراردادی بلندمدت طرفین را حفظ کرده و از لحاظ زمانی و مالی کارایی لازم را داشته باشد. پژوهش پیش رو، ثابت می‌کند که کارشناسی-داوری، روش برتر حل و فصل اختلافات در قراردادهای جدید بالادستی صنعت نفت و گاز، موسوم به IPC است.

واژگان کلیدی

روش‌های جایگزین (ADR)، روش‌های حل و فصل اختلافات، داوری، قراردادهای نوین بالادستی نفت و گاز (IPC)، کارشناسی.

مقدمه

روش‌های حل و فصل اختلاف (ADR) به طور کلی، و سازش و میانجیگری به طور خاص، چند سالی است که بر اختلافات تجاری سایه افکنده است؛ به گونه‌ای که در کشورهای کاملاً شاهد حمایت قضایی و گاهی قانونی از روش‌های جایگزین هستیم؛ برای مثال، دادگاه‌های انگلیس در سال‌های اخیر، تمایل رو به رشد خود را برای تشویق طرفین اختلاف به استفاده از میانجیگری و سایر روش‌های جایگزین، قبل از رسیدگی قضایی و یا حتی پس از آن، نشان داده‌اند. در آمریکا نیز افزون بر توجه دادگاه‌ها به روش‌های جایگزین، قوانین و مقرراتی به تصویب رسیده است که تصویب قانون نمونه سازش تجاری بین‌المللی آنسیترال، مثال شاخص آن است (Mistelis, 2001: 64). در قراردادهای جدید بالادستی نفتی ایران موسوم به IPC، دوره قرارداد و میزان حضور شرکت‌های خارجی در میدان نفتی مطابق قرارداد بین ۲۵-۲۰ سال است و اگر دوره اکتشاف را نیز بر اساس مصوبه دولت در خصوص تصویب مدل جدید قراردادهای نفتی که میزان آن پنج تا هفت است، برای دوره اکتشاف در نظر بگیریم، این زمان تا ۳۲ سال نیز قابل افزایش است. قراردادهای IPC، از جمله قراردادهای بلندمدت است و تأخیر در اجرای آن‌ها، در مقایسه با دیگر بخش‌های اقتصادی، خسارت یا عدم‌النفع سنگین‌تری به بار می‌آورد. به همین علت، حل و فصل اختلافات در پروژه‌های نفتی باید به گونه‌ای باشد که پیوستگی اجرای آن‌ها، کسب اهداف و منافع مورد نظر را برای طرفین قرارداد ممکن سازد. در این‌گونه پروژه‌ها، نظام حل اختلاف باید چنان باشد که به موازات بروز تدریجی اختلافات، ضمن حل سریع و کم‌هزینه، فضای همکاری و روابط تجاری فی‌مابین را تخریب نکند. بررسی شروط حل و فصل اختلافات در قراردادهای بالادستی صنعت نفت و گاز دنیا، حاکی از معرفی چندین روش برتر دارد. رایج‌ترین روش مرکب ADR در حل و فصل اختلافات در قراردادهای بین‌المللی، روش میانجیگری- داوری یا Med-Arb است که روش‌های میانجیگری و داوری را در یک فرایند واحد ترکیب می‌کند. این روش با میانجیگری آغاز می‌شود و مطابق توافق قبلی، اگر مسائلی که در میانجیگری حل نشده باقی ماند، توسط داور حل و فصل می‌شود. میانجیگری و داوری دو روش کاملاً متفاوت هستند که عمده تمایز آن‌ها در هدف است؛ در حالی که هدف میانجیگری، تشویق طرفین به دستیابی به توافق است؛ داوری قصد دارد که به یک تصمیم قانونی از طریق فرایند شبه‌دادرسی برسد. شخص حل و فصل‌کننده دعوا در Med-Arb، سعی در حل و فصل دعوا از طریق میانجیگری بین طرفین دارد. در هر زمان که مشخص شود هیچ شانس در میانجیگری نیست، شخص بی‌طرف، به وسیله اختیاری که قرارداد طرفین، به او داده است، نقش خود را به داور تغییر داده و تصمیم الزام‌آوری می‌گیرد (منصوری پهرانی، ۱۳۸۹: ۹). روش دیگری که در قراردادهای بین‌المللی نفتی رایج است، روش تلفیقی سازش-

داوری است. در مورد تفکیک سازش و میانجیگری، معیاری وجود ندارد و برخی آن‌ها را مترادف هم دانسته‌اند (منصوری طهرانی، ۱۳۸۹: ۹). هر دو روش، متضمن استفاده از شخص ثالث بی‌طرف به منظور حل و فصل اختلاف با توافق طرفین است. برخی، فعال‌تر بودن سازش‌دهنده را نسبت به میانجیگری، عامل تفکیک این دو می‌دانند. اما در عوض در روش کارشناسی - داوری، یک شخص کاردان و حرفه‌ای می‌تواند با جلب اعتماد هر دو طرف قرارداد، تمامی جوانب را در نظر گرفته و ابهامات موجود را برطرف کند؛ با این حال، طرفین قرارداد می‌توانند فرایند کارشناسی - داوری را تبدیل به فرایندی مقید کنند. طرفین موضوع قرارداد باید در زمان انعقاد قرارداد اصلی، عبارتی را در متن بگنجانند تا بر مبنای آن، پس از پایان امر کارشناسی در فرایند حل اختلاف، دعوا وارد مرحله‌ای جدید به نام داوری گردد. غیر از روش اظهار نظر به صورت کارشناسی، یک نظر یا تصمیم خاص نمی‌تواند به طرفین تحمیل شود؛ اگرچه طرفین می‌توانند از طریق روش دیگری، مثل عقد در قراردادی ضمنی، به توافق دست یابند. این پژوهش، بر آن است تا پس از بررسی روش‌های ترکیبی ADR و روش‌های مسالمت‌آمیز حل - فصل اختلافات در قراردادهای جدید بالادستی نفت و گاز ایران IPC، به ارزیابی روش‌های برتر حل و فصل اختلافات پرداخته و سرانجام، روش پیشنهادی خود را بر مبنای روش تلفیقی واحدی به نام کارشناسی - داوری، تحلیل و ارائه دهد.

۱. پیشینه پژوهش

در مورد پژوهش پیش رو، منابع پراکنده‌ای وجود دارد، اما تاکنون مطالعات جامعی با این عنوان انجام نشده است و همین امر ضرورت انجام این تحقیق را آشکار می‌سازد.

۱. «نامه مفید» در مقاله‌ای با عنوان «نگاهی به شیوه‌های جایگزین حل و فصل اختلاف (ADR)» به قلم محسن صادقی و علی حسین مصلحی، به تحلیل شیوه‌های جایگزین حل اختلافات پرداخته و نتیجه این مطالعه، حکایت از آن دارد که این شیوه‌ها به رغم انواعی که دارند، همگی مبتنی بر تراضی طرفین بوده و در عین حال، نتیجه کار در بیشتر آن‌ها الزام‌آور نیست.

۲. حمیدرضا نیکبخت و علی‌اکبر ادیب در مقاله «اصلاحگری و میانجیگری به عنوان جایگزین روش‌های سنتی حل اختلافات مدنی - تجاری»، به بررسی برتری روش‌های اصلاحگری و میانجیگری نسبت به رسیدگی‌های دادگاهی و داوری پرداخته و با توجه به ویژگی‌های صنعت نفت، می‌توانند جایگزین مناسبی برای حل اختلافات باشند.

۳. «روش برتر حل و فصل اختلافات بین‌المللی در قراردادهای نفت و گاز - میانجیگری - داوری»، عنوان پایان‌نامه‌ای است به قلم روح‌الله منصور طهرانی که در آن، برای اثبات فرضیه

خود، از هر دو روش تجزیه و تحلیل و بررسی مقایسه‌ای استفاده کرده است. در واقع، در این تحقیق Med-Arb با میانجیگری و داوری مقایسه شده و نتایج این مقایسه، در زمینه دعاوی نفتی تجزیه و تحلیل می‌گردد.

هریک از پژوهش‌های بالا، گوشه‌ای از زوایای مختلف شروط حل و فصل اختلافات را در قراردادهای تجاری بین‌المللی مورد بحث و بررسی قرار داده است، ولی هیچ‌یک به طور کامل و جامع، به تحلیل روش‌های جایگزین حل و فصل اختلافات (ADR) در قراردادهای جدید بالادستی نفتی ایران IPC نپرداخته است؛ زیرا در هر قرارداد، بایستی انواع اختلافاتی که احتمال وقوع آن‌ها در طول دوره قرارداد وجود دارد، شناسایی شود؛ سپس متناسب با آن، یک نظام پیشگیری از اختلافات و حل و فصل آن برای قرارداد طراحی گردد که طبیعتاً ضرورت انجام این پژوهش، زمینه‌ساز این مهم خواهد بود.

۲. شرط داوری در قراردادهای نفتی پس از انقلاب اسلامی و اصل ۱۳۹ قانون اساسی

مهم‌ترین تحول پیش از انقلاب در زمینه ارجاع اختلافات نفتی به داوری، قانون نفت ۱۳۵۳ است که ماده ۲۳ آن، ضمن پذیرش امکان درج شرط داوری در قراردادهای نفتی، دو شرط مهم برای آن داوری مقرر می‌دارد: اول اینکه، محل داوری باید در ایران باشد؛ دوم اینکه، قانون شکلی حاکم بر فرایند داوری و همچنین قانون حاکم بر ماهیت دعوا نیز باید قانون ایران باشد (شیروی، ۱۳۹۳: ۶۴۰)، اما پس از انقلاب اسلامی، مطابق شرط داوری در قراردادهای نفتی و اصل ۱۳۹ قانون اساسی، ارجاع اختلافات مربوط به اموال عمومی و دولتی به داوری ممنوع نشده، بلکه مقید به طی تشریفات خاصی شده است. اصل ۱۳۹ مقرر می‌دارد: «صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن به داوری در هر مورد موقوف به تصویب هیأت وزیران است و باید به اطلاع مجلس برسد. در مواردی که طرف دعوا خارجی باشد و در موارد مهم داخلی باید به تصویب مجلس نیز برسد. موارد مهم را قانون تعیین می‌کند». هرچند در قانون داوری تجاری بین‌المللی، صراحتاً اشاره‌ای به اصل ۱۳۹ قانون اساسی نشده است، در بند «۲» ماده ۳۶ آن آمده است: «این قانون نسبت به سایر قوانین جمهوری اسلامی ایران که به موجب آن‌ها، اختلافات خاصی را نمی‌توان به داوری ارجاع کرد، تأثیری نخواهد داشت». این بند می‌تواند ناظر به رعایت اصل ۱۳۹ نیز باشد؛ زیرا ارجاع اختلافات دولتی بدون تشریفات ممنوع است و این قانون در پی تغییر آن نیست. تصویب بسیاری از کنوانسیون‌های بین‌المللی توسط قوه قانون‌گذاری مشروط به رعایت اصل ۱۳۹ شده است که یکی از مهم‌ترین آن‌ها، کنوانسیون نیویورک است. به موجب تبصره بند «۲» ماده واحده الحاق ایران به کنوانسیون

مزبور، «رعایت اصل ۱۳۹ قانون اساسی در خصوص ارجاع به داوری الزامی است». بنابراین، چنانچه رأی داوری خارجی مرتبط با اموال عمومی و دولتی صادر شده باشد، اما مفاد اصل ۱۳۹ در مورد آن رعایت نشده باشد، این رأی طبق تبصره مزبور در ایران مورد شناسایی قرار نگرفته و حکم به اجرای آن صادر نمی‌شود. نکته مهم در اصل ۱۳۹ که به داوری‌های نفتی ارتباط می‌یابد، این است که آیا محدودیت مزبور شامل شرکت‌های دولتی، مثل شرکت ملی نفت ایران نیز می‌شود؟ برای روشن شدن موضوع، نخست باید چند مطلب روشن شود. مطلب اول این است که آیا صرف گنجاندن شرط داوری در قراردادهای نفتی که با شرکت‌های تابعه وزارت نفت منعقد می‌شود، ارجاع دعوی راجع به اموال عمومی و دولتی، به تعبیر اصل ۱۳۹ شمرده می‌شود؟ این مطلب از دو سو قابل بررسی است:

از یک سو، گنجاندن شرط داوری در قرارداد به معنای ارجاع اختلاف فعلی به داوری شمرده نمی‌شود؛ زیرا هنوز اختلافی بروز نکرده است. این دیدگاه از این نظر تقویت می‌شود که واژه «دعوی» و «صلح دعوی»، می‌تواند ظهور در دعوی فعلی داشته باشد. براساس این دیدگاه، گنجاندن شرط داوری در قراردادهای نفتی اشکالی ندارد. چنانچه موضوع به اختلاف نکشد، مشکلی پیش نمی‌آید و ضرورتی هم به دریافت مجوز مقامات مذکور در اصل ۱۳۹، مثل هیأت دولت و یا مجلس نیز نخواهد بود. در صورت بروز اختلاف، اگر طرف دیگر قرارداد، خواهان داوری باشد، در این حالت شرکت دولتی طرف قرارداد به عنوان خوانده، می‌تواند در داوری شرکت کند و نیازی به دریافت مجوز هیأت دولت و یا مجلس نیست؛ زیرا در مقام دفاع است. اگر شرکت دولتی طرف قرارداد، خواهان داوری باشد، طبیعتاً باید مجوز لازم را از هیأت دولت و یا مجلس برای درخواست داوری دریافت کند.

از سوی دیگر، چنانچه ارجاع اختلافات بالفعل مربوط به اموال عمومی و دولتی به داوری، نیازمند انجام تشریفات خاص و دریافت مجوز باشد، بی‌گمان تعهد به آن نیز، اگر بنا باشد که تعهد مزبور الزام‌آور باشد، به مجوز هیأت دولت و یا مجلس نیاز دارد. شورای نگهبان نظر صریحی در مورد مشروع یا نامشروع بودن گنجاندن شرط داوری در قراردادها بدون طی تشریفات ارائه نکرده است^۱ و رفتار خود شورای نگهبان نیز در برخورد با موضوع دوگانه است. در برخی از معاهدات که شرط داوری پیش‌بینی شده است، بر ضرورت رعایت اصل ۱۳۹ تأکید کرده است؛ در حالی که در برخی دیگر، رعایت اصل ۱۳۹ قید نشده است (شیروی، ۱۳۹۳: ۶۴۴).

۱. به موجب نظریه شماره ۷۴۸۴ مورخ ۶۵/۱۰/۱۱ شورای نگهبان: «در مواردی که حقوق و اموال عمومی و دولتی مورد تعدی قرار گیرد، جمهوری اسلامی ایران با توجه به قانون اساسی می‌تواند برای احقاق حقوق مزبور اقدامات لازم، از جمله طرح دعوی در مراجع قضایی، اعم از داخلی و خارجی، معمول دارد».

مطلب دوم این است که در اصل ۱۳۹ قانون اساسی، به «اموال عمومی و دولتی» اشاره شده است؛ در حالی که رفع اختلافات ناشی از یک قرارداد را نمی‌توان در معنای دقیق کلمه، «ارجاع دعوی راجع به اموال عمومی و دولتی» تلقی کرد. فرض کنیم در یک قرارداد سرمایه-گذاری برای ساخت پالایشگاه که بین شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران و شرکتی خارجی منعقد شده است، اختلافاتی بین طرفین در مورد تعدیل قرارداد یا تغییر شرح کار بروز می‌کند. ارجاع این اختلافات، حتی اگر فعلیت نیز داشته باشد، نمی‌تواند به معنای دقیق کلمه، «ارجاع دعوی راجع به اموال عمومی و دولتی» تلقی شود؛ مگر اینکه با تسامح گفته شود که اگر شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران در این اختلاف به پرداخت غرامت محکوم شود، این دعوا راجع به اموال دولتی است.

مطلب سوم این است که اموال شرکت‌های دولتی، اموال دولتی به معنای خاص کلمه شمرده نمی‌شود تا مشمول محدودیت اصل ۱۳۹ شود. شرکت دولتی، شرکتی است که بیش از پنجاه درصد سهام آن متعلق به دولت است و دارای شخصیت حقوقی مستقل از سهام‌داران خود است. همان‌طور که در هر شرکت سهامی، شخصیت شرکت از شخصیت سهام‌داران جداست، شخصیت شرکت‌های دولتی نیز از دولت که تمام یا اکثریت سهام آن شرکت را داراست، مستقل است. اگر به این استقلال قائل نباشیم، بدین معناست که اگر علیه یک دستگاه دولتی اقامه دعوا شود، می‌توان برای وصول محکوم‌علیه، تمامی اموال شرکت‌های دولتی را در هر جا توقیف کرد. بنابراین، اموال یک شرکت دولتی، اموال همان شرکت شمرده می‌شود و در صورت تصفیه، آن اموال به دولت مسترد می‌گردد. تا زمانی که شرکت وجود دارد، اموال و دارایی‌های وی، اموال دولت شمرده نمی‌شود. در مواد قانونی گوناگونی، استقلال اموال شرکت‌های دولتی از دولت، مورد تأکید قرار گرفته است.

مطلب چهارم این است که به موجب اساسنامه قانونی شرکت‌های تابعه وزارت نفت، مثل شرکت ملی نفت ایران (بند «ه» ماده ۳۵)، شرکت ملی صنایع پتروشیمی (بند «م» ماده ۲۵) و شرکت ملی گاز ایران (بند «ل» ماده ۲۵)، گنجانیدن شرط داوری در قراردادها، مجزا اعلام شده است؛ برای نمونه، به موجب بند «ه» ماده ۳۵ قانون اساسنامه شرکت ملی نفت ایران، «دادن اختیارات برای سازش و تعیین داور در مورد اختلافات و دعاوی شرکت و به طور کلی، هر اقدامی که برای حفظ حقوق شرکت لازم باشد»، جزء اختیارات هیأت مدیره شرکت ملی نفت ایران است. از آنجا که اساسنامه‌های قانونی شرکت‌های مزبور در سال ۱۳۵۶ به تصویب رسیده است، به استناد نظریه شورای نگهبان، تا موقعی که آن شورا مخالفت قوانین پیش از انقلاب را مغایر با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اعلام نکرده است، قوانین مزبور لازم‌الاجرا هستند. با توجه به اینکه هنوز اساسنامه‌های قانونی شرکت‌های مزبور تغییر نکرده است و

شورای نگهبان نیز بندهای مزبور را خلاف قانون اساسی اعلام نکرده است، بنابراین اختیار مزبور برای هیأت مدیره‌های این شرکت‌ها وجود دارد که روی داوری توافق کنند (شیروی، ۱۳۹۳: ۶۴۰).

۳. تحلیل روش‌های جایگزین ADR در قراردادهای جدید بالادستی نفت و گاز IPC

حل و فصل مستقیم اختلافاتی که به روش‌های جایگزین ارجاع می‌شوند - همان اختلافاتی است که دادگاه‌ها باید به آن‌ها رسیدگی کنند- به اختلافات پایان می‌دهد. در این شیوه‌ها، امکان حل و فصل اختلافات غیرحقوقی که قابلیت طرح در دادگاه‌ها را ندارند، در روش‌های جایگزین از تبدیل این اختلافات به اختلافات حقوقی و در نتیجه، تولید دعوی جدید جلوگیری می‌کند. برتری دیگر این روش‌ها، این است که اصولاً مبتنی بر اراده طرفین اختلاف است. برخلاف دادگاه‌ها که قضات از طرف دولت منصوب می‌شوند و طرفین نقشی در تعیین یا جایگزینی آن‌ها ندارند، در روش‌های جایگزین، اشخاص ثالث بی‌طرف از سوی خود طرفین اختلاف انتخاب می‌شوند و هر زمان که بخواهند می‌توانند با توافق خود شخص دیگری را جایگزین وی کنند (Krishan Ranbir, 2001: 35) در رسیدگی قضایی، اصل بر علنی بودن رسیدگی است و به علت محرمانه بودن، اظهارات و اسناد مربوط به رسیدگی، نباید برای دیگران افشا شوند. گاهی اختلافاتی میان شرکای تجاری و شرکت‌ها پدیدار می‌شود که افشای اطلاعات بسیار مهمی را که جنبه اسرار تجاری دارد، در اختیار رقبای آن قرار می‌دهد (Saleh Al-Hejailan, 1996: 59). در صورت انتخاب نکردن قانون حاکم بر اختلاف از سوی طرفین، شخص ثالث بی‌طرف با توجه به اوضاع و احوال قضیه، قانون مناسبی تعیین خواهد کرد و در هر حال با ارجاع اختلافات به روش‌های جایگزین، از مشکلات پیچیده ناشی از تعارض قوانین و روبه‌رو شدن طرفین اختلاف با قوانین ناآشنا و بیگانه دوری خواهد شد؛ همچنان که طرفین این اختیار را دارند که در مورد قانون حاکم بر ماهیت دعوا بدون اعمال قانون خاص، اختلاف خود را حل و فصل کنند (Lawrence W. Newman, 1998: 1). جریان رسیدگی در این شیوه‌ها، ترافعی نیست و فضای خصمانه و تهاجمی میان طرفین به وجود نمی‌آید و اختلافات طبق توافق و به صورت دوستانه حل می‌شود، در نتیجه، با پیشگیری از بروز اختلافات، ادامه روابط تجاری و اجرای قراردادهای مدت‌دار را میان طرفین، به‌ویژه در تجارت بین‌الملل تضمین می‌کند. شیوه‌های دوستانه جایگزین با کشف راه‌حلی مرضی‌الطرفین، ادامه روابط دوستانه را ممکن می‌سازد (Locase A. Mistelis, 183: 140). به سخن دیگر، در این شیوه‌ها وضعیتی «برد-برد» وجود دارد. در پاسخ به ابهام‌های مدل جدید قراردادهای نفتی ایران IPC،

سه روش مذاکره، روش‌های مدیریتی و کارشناسی در قالب مسالمت‌آمیز پیشنهاد شده است. براساس روش‌های دوستانه، طرفین به یافتن راه‌حلی از طریق بحث‌های ساختاری تشویق می‌شوند و بدون کمک شخص سوم و به صورت طرفینی، مشاجرات را با تراضی دوطرفه پایان می‌بخشند. مدیریت حل اختلافات^۱، فرایندی است مدنی، حرفه‌ای و پیشرفته که به حل و فصل اختلافات اطراف قرارداد می‌پردازد؛ یعنی روشی که هم حرفه‌ای باشد و هم قدرت گفتمان و تعامل را از طریق این ابزار نشان دهد. باید دانست که هرچا سخن از حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات به میان می‌آید، پای شخص ثالثی در میان نیست، بلکه طرفین به بلوغی از تفاهم رسیده‌اند که می‌توانند در عین اینکه با یکدیگر همکاری کنند، اختلافات موجود در پروژه‌ها و قراردادهای خودشان روی میز مذاکره حل و فصل کنند. از این رو، وزارت نفت شیوه‌ها و دستورالعمل‌هایی را برای این مهم تدوین کرده است.^۲ در قرارداد جدید نفتی ایران IPC، این روش که مبتنی بر راه‌حل دوستانه است، پیش‌بینی شده است که اگر اختلافات بین طرفین قرارداد در اجرا، تفسیر، اعتبار قراردادی، قانون حاکم بر قرارداد و روش‌های اجرای قراردادی به وجود آمد، طرفین می‌توانند با یکدیگر توافق نموده و اختلافات را بر اساس این روش حل و فصل کنند. در قراردادهای بالادستی نفتی، نهاد مشترک مدیریتی داریم^۳ که نظارت و کنترل بر اجرای قراردادهای نفتی را بر عهده دارد (ابراهیمی، ۱۳۹۶: ۲۵). این نظارت، پیوسته است و این کمیته هر سه ماه یک بار، با همین هدف تشکیل جلسه می‌دهد. هدف اصلی کمیته مدیریت مشترک این است که اگر طرفین قرارداد در اجرای پروژه با مشکلی روبه‌رو شدند، پیش از اینکه مشکل به اوج و نقطه بی‌بازگشت خود برسد، در سطح کمیته مدیریت مشترک مطرح و رسیدگی شود. گفتنی است وکلا و مشاوران حقوقی، به جای بردن این امر به نهاد داوری و انجام رسیدگی قضایی، با تدبیر خود به حل و فصل اختلافات در مجموعه سهام‌داران، مدیران میانی، مدیران ارشد و در نهایت هیأت مدیره، به حل و فصل اختلافات می‌پردازند.

۱.۳. مذاکره

مذاکره برخلاف سایر شیوه‌ها، بدون مداخله شخص ثالث انجام می‌شود و ارتباط و شخص ثالث در این فرایند نقشی ندارد. هرچند وکلا و مشاوران طرفین اختلاف می‌توانند در جریان مذاکرات شرکت داشته باشند؛ اما حضور آنان به منزله شخص ثالث بی‌طرف که روند حل اختلاف را تسهیل می‌کند، تلقی نمی‌شود، بلکه آنان در کنار موکل خود به مثابه یکی از طرفین اختلاف به شمار می‌روند. مذاکره به عنوان روش حل اختلاف تشریفات خاصی ندارد و از آن

1. Dispute Settlement Management.

۲. شیوه‌نامه حل اختلاف در قراردادهای شرکت‌های تابعه وزارت نفت مصوب ۱۳۹۳.

3. Joint Management Committee (JMC)

به عنوان منعطف‌ترین و غیررسمی‌ترین روش حل اختلاف نام برده شده است که با اوضاع و احوال و شرایط و نگرانی‌های خاص طرفین نزدیک‌تر از هر روش دیگری است و می‌تواند با نیازها و خواسته‌های طرفین، آزادتر از هر روش دیگری تحویل داده شود؛ زیرا در این روش، شخص ثالث دخالت ندارد و در نتیجه، نسبت به دیگر روش‌های جایگزین و حل مسالمت‌آمیز اختلاف، خواهان بیشتری دارد و طرفین نیز از آزادی عمل بیشتری برخوردارند. طرفین هیچ محدودیتی ندارند و می‌توانند زمان، مکان، تعداد دفعات، طول مدت مذاکره، شرکت‌کنندگان و امور مربوط به آن را مشخص کنند (Locaus A. Mistelis, 2015: 205). چنانچه مذاکرات طرفین موفقیت‌آمیز نباشد، اختلاف مورد نظر به داوری یا سایر شیوه‌های جایگزین و یا حل و فصل مسالمت‌آمیز ارجاع می‌شود که دو طرف اختلاف، به این نتیجه می‌رسند که مذاکره مستقیم می‌تواند اختلاف آن‌ها را حل و فصل کند. گاهی نیز طرفین از قبل چهارچوب زمانی خاصی برای مذاکره تعیین می‌کنند که با پایان یافتن مهلت مذکور و تمدید نشدن آن از سوی طرفین مذاکره، پایان یافته تلقی می‌شود؛ برای مثال، ماده ۲ کنوانسیون تأسیس آژانس تضمین سرمایه‌گذاری چندجانبه^۱ بیان می‌دارد: «چنانچه طرفین نتوانند ظرف مدت ۱۲۰ روز از تاریخ درخواست شروع مذاکرات، به توافقی دست یابند، مذاکرات پایان یافته تلقی خواهند شد» (قبری جهرمی، ۱۳۸۰: ۴۳۵). در صورتی که مذاکرات نتیجه‌بخش باشد و طرفین درباره اختلافات به راه‌حل مشترکی دست یابند، غالباً موافقت‌نامه‌ای منعقد می‌کنند و در آن، شیوه حل اختلافات خود را مشخص می‌سازند. موافقت‌نامه مذکور تنوع بسیاری از اشکال و شروط مختلف را دربر می‌گیرد. این توافق می‌تواند در چهارچوب پاره‌ای از حقوق، از یک طرف یا هر دو طرف باشد یا ممکن است معامله جدیدی را دربر بگیرد یا متعهد به ارائه اطلاعات شوند یا هر دو به انجام کار و تعهد معینی ملزم شوند و در هر صورت، موافقت‌نامه به گونه‌ای منعقد می‌شود که به اختلاف طرفین پایان دهد. در مورد اجرای موافقت‌نامه حاصل از مذاکره نیز، تردیدی نیست که اگر هریک از طرفین از رعایت و اجرای موافقت‌نامه خودداری کند، طرف یا طرف‌های ذی‌نفع می‌تواند بر مبنای قرارداد، یعنی با تکیه بر توافق مذکور، اقامه دعوا کند. در قراردادهای نفتی ممکن است برای مذاکرات سطوح گوناگونی پیش‌بینی کنند؛ برای مثال، مقرر می‌شود که اختلافات نخست باید در سطح کارشناسان مذاکره شود و اگر در این سطح اختلاف پایان نیافت، موضوع جهت مذاکره و تصمیم‌گیری به مدیران میانی ارجاع خواهد شد و اگر مدیران میانی به نقاط مشترک رسیدند، نوبت به مذاکره مدیران ارشد طرفین می‌رسد (شیروی، ۱۳۹۳: ۶۱۸).

۲.۳. روش‌های مدیریتی

وظایف کمیته مشترک مدیریت در قراردادهای بیع متقابل، از جمله شامل این موارد است: نظارت، رسیدگی، کنترل و بازدید عملیات توسعه از جهات فنی، مالی، عملیاتی تجاری و مدیریتی، تهیه و تدوین برنامه جامع اکتشاف، برنامه جامع توسعه، برنامه جامع بهره‌برداری و همچنین برنامه‌های کاری و بودجه سالیانه و اطمینان از اینکه اجرای عملیات توسعه در راستای برنامه کاری و بودجه بوده و پیمانکار به نحو مقتضی در جهت تحقق اهداف عملیات توسعه رفتار می‌کند (شیری، ۱۳۹۳: ۴۶۵). در مدل قراردادهای نفتی خدماتی عراق، در بند «۲» از قسمت ۱۳، از جمله وظایفی که برای کمیته مشترک مدیریت احصا شده، بررسی و توسعه طرح‌ها و اصلاح آن‌ها، بررسی و تصویب برنامه سالیانه و بودجه‌ها و برنامه‌های تولید و اصلاحات بعدی، بررسی و تصویب رویه‌های اجرایی، بررسی و تصویب تحویل کار به پیمانکاران فرعی و دستورهای خرید، تصویب برنامه‌های آموزشی نیروی انسانی داخلی و غیره است.^۱ هیأت بررسی حل اختلاف، به طور مشترک و مرضی‌الطرفین توسط طرفین قرارداد انتخاب می‌شوند. این هیأت در تمام دوره قرارداد حاضر است و زمانی که اختلافی رخ می‌دهد یا در حال رخ دادن است، دیدگاه‌ها و مواضع طرفین اختلاف را استماع می‌کند و در نهایت، توصیه‌های غیرالزام‌آوری را برای حل و فصل اختلافات به طرفین اختلاف ارائه می‌دهد؛ به‌ویژه از جهت داشتن دید فنی به قضایا، بی‌طرف بودن و فی‌نفسه الزام‌آور نبودن دیدگاه‌ها. اما از جمله تفاوت‌های هیأت بررسی اختلاف با کارشناسی در این است که هیأت بررسی اختلاف با شروع پروژه آغاز به کار می‌کند و همراه با پروژه، فعالیت خود را ادامه می‌دهد و این فعالیت‌ها تا پایان پروژه و دوره قرارداد^۲ ادامه دارد؛ در حالی که کارشناسی موردی^۳ است و طرفین با بروز اختلاف در مورد خاص که از قبل در قرارداد مشخص شده است، به کارشناسی رجوع خواهند کرد. از طرفی، نظر کارشناس صرفاً برای حل و فصل اختلافات به کار می‌آید؛ در حالی که نظرات هیأت بررسی اختلاف، هم برای پیشگیری از بروز اختلافات است و هم برای حل و فصل اختلافات ایجادشده. در واقع، می‌توان گفت با توجه به کارکرد و ویژگی‌های این روش که هم ویژگی پیشگیری از اختلاف را دارد و هم ویژگی حل و فصل اختلافات را، هیأت بررسی اختلاف، کامل‌ترین و مناسب‌ترین سازوکار برای مدیریت اختلافات به معنای خاص آن است؛ زیرا از ابتدا به زمینه‌های اختلافی و مناقشه‌آمیز می‌پردازد و سعی در جلوگیری و مهار اختلافات دارد و این معنای واقعی مدیریت اختلاف است؛ برای مثال، هیأت بررسی اختلاف می‌تواند به جای فعالیت پیوسته در طول پروژه، صرفاً برای دوره‌های زمانی

1. Development and Production Service Model For The Contact Area Of Iraq Republic.
 2. Course Of Contract
 3. Ad Hoc

مشخص شده با فاصله‌های معین فعالیت و در هر دوره، روند پروژه را بررسی کند و برای اختلافات راهکارهایی را ارائه دهد که این ایده در حال حاضر، از جمله سیاست‌ها و رویکردهای وزارت نفت جمهوری اسلامی ایران نسبت به حل و فصل اختلافات قراردادی نیز می‌باشد؛ از این رو، در تاریخ ۱۳۹۳/۰۶/۰۵ وزارت نفت، شیوه‌نامه حل اختلاف‌های قراردادی را به شرکت‌های اصلی تابعه خود ابلاغ کرده است. در این شیوه‌نامه، نوعی روش ترکیبی هیأت بررسی اختلاف برای حل و فصل اختلافات قراردادی، به شرکت‌های تابعه توصیه شده است. شیوه‌نامه حل اختلاف‌های قراردادی، به استناد جزء ششم بند «ب» ماده ۳ قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت مصوب ۱۳۹۱/۱۲/۱۹ مجلس شورای اسلامی، به منظور نظارت بر حسن اجرای قراردادها و سازوکاری برای حل اختلافات ابلاغ شده است.

۳.۳. کارشناسی

عده‌ای کارشناسی را دارای دو ویژگی مهم دانسته‌اند؛ نخست اینکه، برای اصحاب اختلاف نهایی و الزام‌آور است و دیگر اینکه، در کارشناسی لزومی وجود ندارد که از قواعد حاکم بر داوری و رسیدگی‌های دادگاهی استفاده شود. البته ویژگی نهایی و الزام‌آور بودن محل مناقشه است؛ زیرا چنانکه پیش‌تر تبیین شد، از ویژگی‌های اصلی این روش‌های حل و فصل اختلافات، غیرالزام‌آور بودن آن‌هاست؛ از این رو، کارشناسی نیز به عنوان یکی از روش‌های جایگزین حل و فصل اختلافات در اصل الزام‌آور نیست و اگر حتی طرفین اختلاف در قرارداد خود چنین توافق کرده باشند که نظر کارشناسی قاطع دعوا باشد، باز هم در عمل و حقیقت کارشناسی الزامی نخواهد بود؛ زیرا کارشناسی از داشتن ضمانت اجرایی، مانند ضمانت اجرای داوری و حکم قضایی برخوردار نیست. از این رو، حتی اگر طرفین بر قطعی و الزام‌آور بودن نظر کارشناسی توافق کرده باشند، چنانچه یکی از طرفین از نظر کارشناس خرسند نباشد، می‌تواند بازهم بر اختلاف پافشاری کند و حتی اختلاف را در مراجع رسیدگی، مانند داوری و یا دادگاه و رسیدگی قضایی مطرح کند. البته می‌توان تا زمانی که نظر کارشناس در مرجع رسیدگی‌کننده نقض نشود، آن را به طور موقت بین طرفین الزام‌آور تلقی کرد (مداحی‌نسب، ۱۳۹۳: ۵۶) و در مورد ضمانت اجرای آن نیز، وجه التزام می‌تواند ضمانت اجرای نسبی و قراردادی برای اجرای نظر کارشناسی باشد؛ یعنی طرفین توافق کنند که هرگاه هر کدام از آن‌ها نظر کارشناس را اجرایی نکردند، بایستی مبلغ محدودی با عنوان خسارت وجه التزام بپردازد. قدرت این چنین ضمانت اجرایی به میزان مبلغ تعیین شده بستگی دارد (L.A Mistelis, 2001: 203). همچنین از سوی دیگر، نظر کارشناسی می‌تواند برای مرجع رسیدگی‌کننده به اختلاف، اعم از اینکه داوری باشد یا دادگاه، مورد استناد رأی داوران یا قاضی قرار گیرد؛ برای مثال، در

مدل قراردادهای خدماتی عراق در بند «۲» ماده ۳۷ آمده است: «اختلافات باید در وهله نخست به صورت دوستانه فیصله یابد. اگر سی روز بگذرد و اختلاف حل شود، در صورت اقتضا موضوع به مدیریت ارشد طرفین جهت فیصله اختلاف ارجاع می شود و اگر به نتیجه نرسند، طرفین می توانند ظرف سی روز یک کارشناس بی طرف با توافق یکدیگر منصوب کنند تا برای حل اختلاف نظر دهد و یا ظرف شصت روز موضوع را به داوری ارجاع دهند». همچنین طبق بند «۳» ماده ۳۷ همین قرارداد بیان می کند: «هر اختلافی که در زمینه های فنی بین طرفین ایجاد شود، بایستی از طریق ارزیابی یک کارشناس بی طرف که با توافق طرفین اختلاف تعیین می شود، حل و فصل شود. کارشناس باید ظرف یک ماه پس از قبول انتصابش و یا بیشتر در صورت توافق کتبی طرفین اختلاف، تصمیم خود را ارائه کند». همچنین کارشناس بایستی به عنوان کارشناس عمل کند، نه به عنوان داور. هزینه های استفاده از کارشناسان به طور مستقیم و متساوی بر عهده طرفین است؛ برای مثال، در بند «۳» ماده ۲۹ قراردادهای مشارکت در تولید ترکمنستان، اختلافات مربوط به موارد ویژه، باید به نظر کارشناس بی طرف مرضی الطرفین ارجاع شود و نظر این کارشناس طرفین اختلاف، نه تنها الزام آور است، بلکه قطعی و لازم الاجراست (شیروی، ۱۳۹۳: ۶۲۰).

۴. بررسی و تحلیل روش کارشناسی - داوری در قراردادهای بالادستی نفت و گاز

همچنان که در روش های مسالمت آمیز حل و فصل اختلافات در قراردادهای نوین بالادستی صنعت نفت و گاز ایران IPC بیان شد، ماهیت اختلافات در قراردادهای بالادستی صنعت نفت و گاز، بیش از آن که مستلزم رسیدگی بر مبنای دو روش قبلی باشند، به اظهار نظر یک متخصص وابسته هستند. استفاده از نظر کارشناسی در فرایند حل و فصل دعاوی در دادگاه و یا داوری پدیده ای تازه نیست و طرفین اختلاف، گاهی به اشخاص متخصص مراجعه می کردند، اما استفاده از نظر کارشناسی به طور مستقل برای حل و فصل اختلافات در محدوده فزاینده حوزه ارزیابی و در کل مطرح شدن آن به عنوان شیوه جایگزین حل و فصل اختلافات، امری است که به تازگی در نظام حل و فصل قراردادهای صنعت نفت و گاز و همچنین در اسناد بین المللی پدیدار شده است. در حقیقت، کارشناس صرفاً به بررسی و اعلان نظر در خصوص ابعاد فنی موضوع پرداخته و واقعیت ها را در اختیار طرفین قرار می دهد. طبق شرایط پیش بینی شده در مدل جدید قراردادهای نفتی، ارجاع به کارشناس^۱ در خصوص مسائل مالی و فنی، روشی نو در حل و فصل اختلافات نفتی است و برای طرفین لازم الاجرا می باشد. با وجود

در دسترس بودن شیوه داورى در نظام حل و فصل اختلافات، دو عامل موجب استفاده از روش کارشناسی - داورى گردیده است: نخست، حل پاره‌ای از اختلافات در قراردادهای IPC مستلزم رسیدگی قضایی نیست و اختلافات طرفین مربوط به موضوعاتی است که نظر کارشناس می‌تواند در این خصوص تعیین‌کننده و پایان‌دهنده اختلاف باشد (Jones D.S, 1997: 50).

۴.۱. شیوه کار روش کارشناسی - داورى

این روش در آغاز با کارشناسی شروع می‌شود و مطابق توافق قبلی طرفین، مسائلی که در کارشناسی حل نشده باقی بماند، توسط داورى حل و فصل می‌شود. چنانچه طرفین توافق کنند که حکم کارشناس میان آن‌ها الزام‌آور باشد، بدین معناست که حکم کارشناسی به عنوان سازوکاری قطعی و نهایی برای حل اختلاف مورد استفاده قرار گرفته است و هیچ‌یک از طرفین پس از پایان رسیدگی نمی‌تواند از پذیرش حکم کارشناس خودداری کند. به طور معمول، از حکم کارشناس به صورت الزام‌آور استفاده می‌شود؛ یعنی روش جایگزینی است برای داورى یا دعوی قضایی جهت حل برخی یا همه اختلافات میان طرفین. همچنین گاهی حکم کارشناسی می‌تواند اثر الزام‌آور موقت داشته باشد؛ یعنی تا زمانی که طرفین درباره آن موضوع، رسیدگی داورى را آغاز نکرده‌اند یا رأی داورى حکم کارشناس را نقض نکند یا طرفین توافق جدیدی که متضمن شروط متفاوتی باشد، منعقد نکنند، حکم کارشناس میان طرفین معتبر و لازم‌الاجرا و به عبارتی، الزام‌آور است، اما نهایی نیست؛ برای مثال، طبق برخی از قراردادهای نمونه که در استرالیا رایج است، حکم کارشناس قطعی و الزام‌آور است؛ مگر این که یکی از طرفین اختاریه‌ای مبنی بر پژوهش و نپذیرفتن حکم کارشناس در ظرف ۲۱ روز از تاریخ صدور حکم جهت ارجاع اختلاف به مذاکره یا داورى ارسال کند. با وجود این، حکم کارشناس تا زمانی که با مذاکرات طرفین و یا رأی داورى تغییر داده نشده است، میان طرفین معتبر و لازم‌الاجراست. این نکته نیز گفتنی است که برخورد مؤسساتی که قواعدی را در مورد کارشناسی منتشر کرده‌اند، در خصوص الزام‌آور بودن یا نبودن حکم کارشناس یکسان نیست؛ برای مثال، طبق قواعد کارشناسی مرکز کارشناسی اتاق بازرگانی بین‌المللی، حکم کارشناس میان طرفین الزام‌آور نخواهد بود؛ مگر آن که طرفین بر الزام‌آور بودن آن توافق کرده باشند. اما قواعد حکم کارشناسی سازمان جهانی مالکیت معنوی، اصل را بر الزام‌آور بودن نظر کارشناس قرار می‌دهد؛ مگر اینکه طرفین به نحو دیگری توافق کرده باشند. اما حکم کارشناسی الزام‌آور، بسیار به داورى نزدیک می‌شود؛ زیرا هر دو روش، اختلافات طرفین را در خارج از دادگاه‌ها به طور خصوصی و محرمانه حل و فصل می‌کنند و نتیجه کار در هر دو الزام‌آور است. تشابه میان این دو به اندازه‌ای است که ممکن است اصالت روش حکم کارشناسی به نفع داورى مورد انکار قرار بگیرد و کارشناسی که نظر وی برای طرفین الزام‌آور باشد، داور به حساب آید.

کارشناسی- داوری، همه فنون موجود در کارشناسی را با مرحله نهایی داوری، یعنی صدور رأی ترکیب می‌کند. گرایش کارشناسی- داوری، حل و فصل اختلاف قبل از صدور رأی است.

۲.۴. صدور رأی، اجرا و ضمانت آرای صادره روش کارشناسی- داوری

به محض ارجاع اختلاف به کارشناس، وی باید مطابق با توافق طرفین و به نحوی که مناسب با اوضاع و احوال قضیه و موضوع مورد اختلاف باشد، در کوتاه‌ترین زمان ممکن، به بررسی‌های کارشناسی و اعلام نظر خود اقدام کند. او تحقیقات کارشناسی خود را با توجه به واقعیات موضوع و مقتضیات مسئله انجام خواهد داد. کارشناس هم باید همچون داور، رسیدگی‌های خود را به صورت بی‌طرفانه انجام دهد و از آغاز تا پایان استقلال و بی‌طرفی خود را حفظ کند؛ زیرا تشخیص و حکم وی مبنای تمیز حقوق طرفین و اساس حل اختلاف قرار می‌گیرد. پس از پایان تحقیقات کارشناسی، چگونگی و شکل اعلام نظر کارشناسی، به‌ویژه از لحاظ مواردی همچون لزوم کتبی بودن و توجیه مبنای و دلایل نظر کارشناسی، تابع توافق طرفین خواهد بود. حکم کارشناس بیشتر به صورت کتبی اعلام می‌شود و در آن، دلایلی که نظر بر آن استوار است، بیان می‌گردد (Andrew Tweeddel - Karen Tweeddel, 2005: 18-22)؛ برای مثال، در قرارداد استخراج و تولید نفت و گاز کشور غنا در سال ۲۰۱۷، در بند حل و فصل اختلاف مقرر گردید: «طرفین اختلاف ناشی از این توافق‌نامه، می‌توانند به صورت متقابل موافقت کنند که اختلاف را برای تعیین حل و فصل آن، به یک متخصص تنها ارجاع دهند. کارشناس خبره، پس از انتصاب، نباید با هیچ‌یک از طرفین دعوا ارتباط برقرار کند. طرفین دعوا در مورد شرایط این ارجاع موافقت خواهند کرد. چنانچه طی نود روز پس از انتصاب وی برای تصمیم‌گیری در مورد این پرونده، مشروط بر هرگونه الحاقاتی که طرفین اختلاف با یکدیگر توافق کرده‌اند، به موفقیت نرسند، هریک از طرفین دعوا حق دارند چنین اختلافاتی را از طریق داوری حل و فصل کنند»^۱ در قرارداد نفتی کشور مکزیک^۲ که از مدل پیشنهادی کارشناسی- داوری بهره برده است، در بند مربوط به حل و فصل اختلاف مقرر شده است: «طرفین تصمیم می‌گیرند در

1. The Parties to a dispute arising under this Agreement, may in lieu of arbitration, mutually agree in writing to refer the dispute for determination by a sole expert to be appointed by agreement of the Parties who is a recognized specialist with respect to the subject matter of the dispute (a "Sole Expert"). Notwithstanding the anything to the contrary in this Agreement, unless otherwise unanimously agreed, the Parties shall refer a dispute under Articles 6.11, 11.3, and 11.7(b) (iii), to a Sole Expert. (90) Days after his appointment to decide the case, subject to any extensions mutually agreed to by the Parties to the dispute. Upon failure of the Sole Expert to decide the matter within such time, any Party to the dispute shall have the right to have such dispute settled through arbitration under the foregoing provisions of this Article 24.

2. The Parties decide that in the event any controversy arises, they will try to resolve it through a mechanism of direct consultations, with the intention of trying to reach a negotiated agreement between the Partie.

صورت بروز هرگونه مشاجره، با هدف دستیابی به توافق مذاکره‌شده بین خود، سعی کنند آن را از طریق سازوکار مشاوره مستقیم حل‌وفصل کنند. در صورت عدم توافق در خصوص اختلافات در امور فنی یا عملیاتی، طرفین قادر خواهند بود که از تصمیم یک کارشناس مستقل بهره‌مند گردند». سرانجام، احتمال حضور در داوری پیش‌بینی شده است. حکم کارشناس قابل تجدیدنظر نیست و تنها در موارد بسیار محدودی قابل اعتراض است. ایراد به حکم کارشناس می‌تواند بر مبنای تقلب کارشناس و اعلام نظر وی به صورت جانبدارانه و خروج وی از دایره بی‌طرفی پذیرفته شود. افزون بر این، چنانچه کارشناس خارج از حدود صلاحیت خود نظر داده باشد، امکان اعتراض وجود دارد (Jounes Daglas, 21). رویه قضایی بعضی کشورها، از جمله انگلستان نیز تمایل بدان دارد که حکم کارشناس را معتبر بداند و جز در موارد محدودی که کارشناس به اشتباه حکم صادر کرده است، اعتراض به حکم را نپذیرد. از این رو، دادگاه نیز هیچ اختیاری در تغییر یا تعدیل حکم ندارد (Jounes Daglas, 21). چنانچه طرفین توافق کرده باشند که حکم کارشناس میان آن‌ها الزام‌آور باشد، با اعلام نظر کارشناس هیچ‌یک از آن‌ها نمی‌توانند به صورت یک‌طرفه حکم کارشناس را نادیده بگیرند و از اجرای مفاد آن سر باز زنند.

نتیجه

با توجه به اهمیت زمان و هزینه در قراردادهای نفت و گاز، به دلیل وابستگی مستقیم درآمدهای کشور به آن‌ها، طراحی مدل کارآمدتر حل‌وفصل اختلافات، از ضرورت‌های مدل جدید قراردادهای نفتی بوده است. شاید یکی از تفاوت‌های آشکار مدل جدید با قراردادهای بیع متقابل که منتج از بلندمدت بودن رابطه تجاری با شرکت‌های نفتی بوده است، پیش‌بینی روش‌های جایگزین، روش‌های داوری و دادگاه برای حل‌وفصل اختلافات، مدل جدید قراردادهای نفتی را ضروری نموده است؛ چراکه احتساب بروز اختلاف در رابطه قراردادی بیست ساله، بسیار بالاست و به دلیل پیچیدگی‌های مندرج در رابطه‌های پیشین، استفاده از متخصص و کارشناس در حل‌وفصل اختلافات ضروری است. بنابراین، ترکیب روش کارشناسی و داوری در یک فرایند تلفیقی، می‌تواند فرایندی کامل و بدون نقص را ارائه دهد. با وجود مزایای متعدد این روش برای افرادی که می‌خواهند از آن به عنوان روش حل‌وفصل اختلافات استفاده کنند، ممکن است نگرانی‌هایی، آن‌ها را در مورد انتخاب این روش مردد سازد؛ در تمام این موارد، مسئله اساسی اعتماد طرفین به شخص بی‌طرف است. با این حال، بهترین راه رفع نگرانی طرفین این انتخاب، شیوه‌ای است که ادامه رسیدگی بعد از مرحله کارشناسی را موکول به موافقت هر دو طرف می‌کند که الزام‌آور یا غیرالزام‌آور بودن رأی کارشناسی را در این روش، از قبل بین خود توافق کنند. ما با بررسی بندهای حل‌وفصل

اختلافات در قراردادهای متعدد نفتی بین‌المللی و تحلیل روش‌های حل و فصل اختلافات در قراردادهای نوین بالادستی صنعت نفت و گاز ایران IPC، روش کارشناسی - داوری را به عنوان روش برتر حل و فصل اختلافات در این زمینه پیشنهاد دادیم و بی‌گمان، می‌توان اذعان داشت که این روش با عنوان یک لکس پترولیا در صنعت نفت قابلیت شناسایی و اجرا دارد.

منابع

الف) فارسی

۱. امین‌زاده، الهام (۱۳۹۴). *دومین همایش ملی حقوق انرژی با محوریت صنایع نفت و گاز*. تهران: پالایش و پتروشیمی.
۲. جنیدی، لعیا (۱۳۸۷). *اجرای آرای داوری بازرگانی خارجی*. تهران: انتشارات پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
۳. حیاتی، علی (۱۳۹۰). «تحلیل حقوقی قراردادهای بالادستی صنعت نفت و گاز». *پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق تجاری، اقتصادی، بین‌المللی*، تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
۴. درویشی هویدا، یوسف (۱۳۸۸). «شیوه‌های جایگزین و غیرقضایی حل و فصل اختلافات». *مجله قضاوت*، شماره ۳۲، ص ۳۹ - ۳۴.
۵. _____ (۱۳۹۰). «مطالعه‌ای بر میانجیگری به عنوان روش دوسنانه حل و فصل اختلافات». *فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، دوره ۴۱، شماره ۴، ص ۱۳۷ - ۱۲۱.
۶. _____ (۱۳۸۹). «استفاده مستقیم از کارشناس در حل و فصل اختلافات». *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، دوره ۴۰، شماره ۴، ص ۱۹۲ - ۱۷۳.
۷. _____ (۱۳۸۷). «شیوه‌های جایگزین حل و فصل اختلافات». *رساله دکتری*، دانشکده حقوق دانشگاه تهران.
۸. شهنازی‌نیا، مرتضی (۱۳۸۶). *حل و فصل اختلاف ناشی از سرمایه‌گذاری*. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
۹. شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۱). *حقوق تجارت بین‌الملل*. چاپ چهارم، تهران: انتشارات سمت.
۱۰. _____ (۱۳۹۳). *حقوق نفت و گاز*. چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.
۱۱. صلح‌چی، محمدعلی؛ نژندی‌منش، هیبت‌الله (۱۳۸۷). *حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی*. چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.
۱۲. مجبی، محسن (۱۳۸۶). *مباحثی از حقوق نفت و گاز در پرتو رویه داوری بین‌المللی*، سلب مالکیت و غرامت در *قراردادهای نفتی*. چاپ اول، تهران: مرکز مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش.
۱۳. _____ (۱۳۹۵). «اصلاحگری و میانجیگری به عنوان جایگزین روش‌های سنتی حل اختلافات مدنی - تجاری (امکان‌به-کارگیری آن‌ها در صنعت نفت)». *فصلنامه تحقیقات حقوقی*، شماره ۷۸، ص ۸۱-۵۷.
۱۴. مداحی‌نسب، مصطفی (۱۳۹۴). «روش‌های حل و فصل اختلافات و پیشگیری از آن‌ها در قراردادهای نفت و گاز». *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
۱۵. مصلحی، علی‌حسین؛ صادقی، محسن (۱۳۸۱). «نگاهی به شیوه‌های جایگزین حل و فصل اختلاف در مقررات جدید اتاق بازرگانی بین‌المللی». *مجله حقوقی*، شماره ۲۶ و ۲۷، ص ۳۸۲ - ۳۶۵.
۱۶. منصوری‌تهرانی، سید روح‌الله (۱۳۸۹). «روش برتر حل و فصل اختلافات بین‌المللی در قراردادهای نفت و گاز - میانجی‌گری - داوری». *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه شهید بهشتی.
۱۷. هرویانی، فرزانه (۱۳۹۷). «شیوه‌های حل و فصل اختلاف در قراردادهای نفت و گاز». *ماهنامه نفت و گاز و انرژی*، سال پنجم، شماره ۲۱، ص ۱۰-۲.

ب) خارجی

18. *Alternative Dispute Resolution in civil cases* (1998). reports of the task force on the quality of Justice Subcommittee on alternative dispute resolution and the judicial system.
19. *Alternative Dispute Resolution*, 1998.
20. Al Hesilan salah (1996). *Mediation as a Means for Amicable settlement of dispute in Arab countries*. wipo conference on mediation, organized by the wipo arbitration and mediation center, Geneva.
21. Bahatunde J Fagbohunlu & mark moradi (2006). *A Guide to international litigation and arbitration an English perspective*.
22. Duruigho Emeka (2006). "Permanent Sovereignty and people's ownership of natural resource". *George Washington International Law Review*, vol, 38.
23. Hibber, peter R. & Paul Newman (2004). *ADR and adjudication in construction dispute*.
24. Klaus Peter Berger (2002). "Negotiation Mediation Arbitration". *Private Dispute Resolution*, Vol. 2.
25. Krishan Ranbir (2001). "An Overview of the Arbitration and Conciliation Act 1006". *Journal of International Arbitration*, Vol 23, No 3.
26. L. Michael Hager & Robert Poitichard (1999). "Deal mediation: How ADR techniques can help achieve durable agreements in the global Markets". *ICSID review foreign investment law Journal*, vol, 141, No1.
27. Marriott, Arthur (2003). "ADR in civil and commercial disputes". *Bernstein's Handbook of Arbitration and dispute resolution practice*, John tackaberry and Arthur Marriott (editors), Vol 1, London, sweet and Maxwell.
28. Mackay (R.B) (1995). "Ethical Consideration in Alternative Dispute Resolution". *the Arbitration Journal*, Vol 45.
29. Flake, Richard P (1998). "The Med/Arb Process: A View From The Neutral's Perspective, ADR Currents". *The Newsletter of Dispute Resolution Law and Practice*: June 1998 Edition, American Arbitration Association, 1998, p.2.